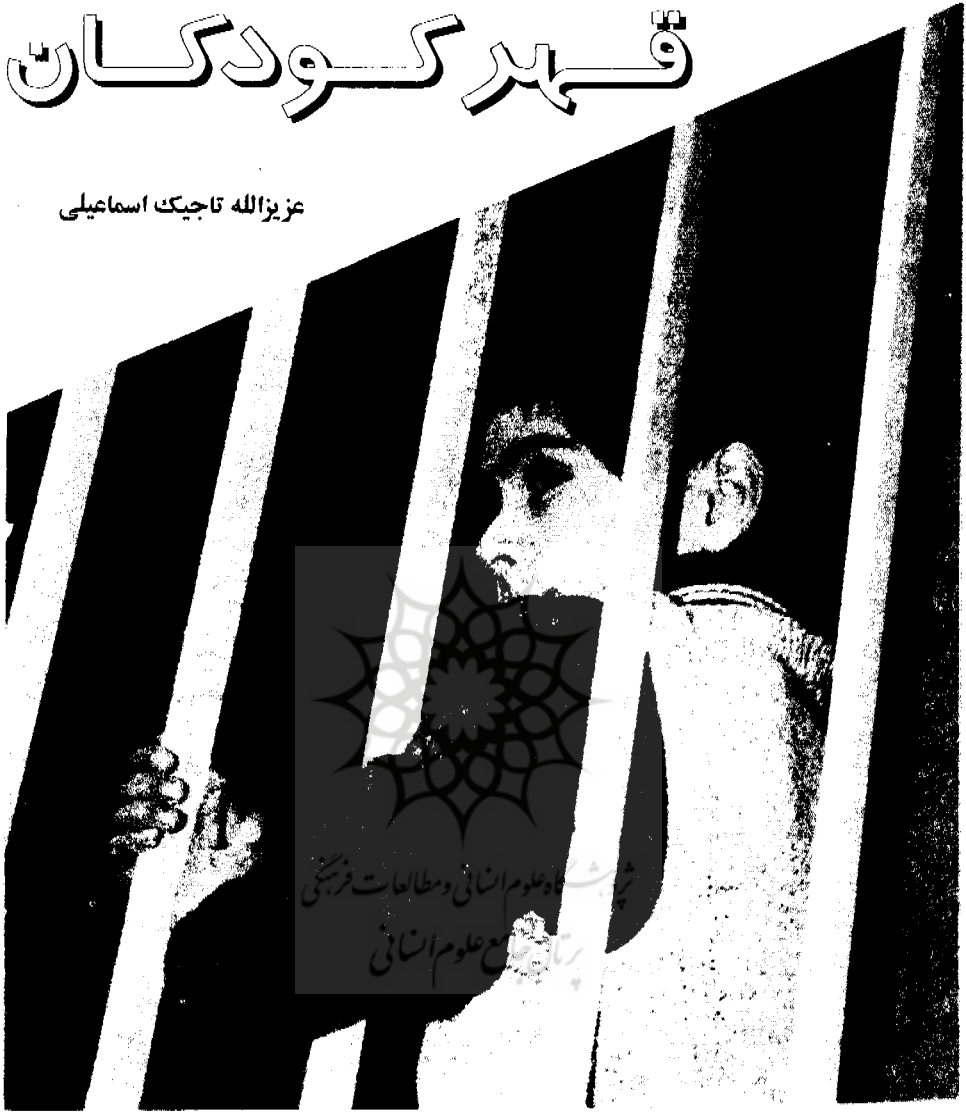


قهر کودکان

عزیزالله تاجیک اسماعیلی



مقدمه :

کودکان نیست. در روابط اجتماعی کودکان دبستانی و سالهای بعد از آن، گاه "قهر کردن" به صورت یک رویه رفتاری برای کنترل و ایجاد سلطه بر دیگران درمی آید. کودکان سلطه طلبی که به برخی امتیازات خود، مثل هوش، مهارتهای بازی یا داشتن برخی از وسایل مورد

کودکان به اصطلاح "قهر" در بسیاری از خانواده ها و کلاسهای دبستانها دیده می شوند. این گروه کودکان معمولاً بهانه گیر، حساس، نازک نارنجی و گاه عصبانی و پرخاشگرند. واکنش رفتاری "قهر" منحصر به این قبیل

توجه همکلاسیها اطمینان دارند، گاه برای واداشتن آنان به اطاعت از دستورها و خواستههای خود با قهر کردن، ارتباط عاطفی خود را قطع و با استفاده از این اهرم رفتاری برای اعمال تسلط بر دیگر کودکان هم سن و سال و رسیدن به هدفهای خود تلاش می کنند. پدران و مادران یا از قهر و بدقلقی فرزندان نشان ناراحت هستند، یا آن را نوعی رفتار معمولی و عادی دوران کودکی تلقی می کنند و یا اصولاً کمتر به این موضوع توجه دارند که چه عواملی زمینه ساز این روحیه در کودک است و چگونه باید با آن مقابله کرد.

تصویر بالینی قهر در کودکان و بزرگسالان

کتابها و نوشته های مربوط به روان شناسی به ندرت اشاره مستقیم به رفتار "قهر" در کودکان دارند. در طبقه بندی های اختلالات رفتاری کودکان، حالت "افسردگی و بازداری"^۱ به گروهی از مشکلات اطلاق می شود که در آن حالت وقفه رفتاری، کناره گیری و انزوا در برابر بزرگسالان و کودکان دیگر وجود دارد.^۲ کودکان "قهر" در چنین حالتی معمولاً عبوس و ترشرو، بداخم و دارای رفتارهای حاکی از دلخوری هستند.

قهر در کودکان نوعی واکنش عقب نشینی در موقعیت ناکامی، محرومیت یا احساس تهدید است؛ حالتی که به شکل گریز و قطع ارتباط صورت می گیرد. کودکانی که این صفت روانی و رفتاری در آنها غلبه دارد، در خردسالی حالاتی از قبیل وابستگی و اتکاء به پدر و مادر دارند، به گونه ای که استقلال عمل آنها معلوم نیست. این قبیل کودکان در کلاسهای درس معمولاً

صورت های رفتاری منفی از قبیل بی میلی و عقب نشینی نسبت به همکلاسان و موقعیت های کلاس و مدرسه را نشان می دهند و به عبارت دیگر سعی می کنند رابطه خود را با شخص یا موقعیت نامطلوب قطع کنند.

در مقابله با ناکامی و محرومیت، عکس العمل های روانی افراد متفاوت است. لیکن این عکس العمل ها معمولاً به دو صورت کلی بروز می کنند:

یک صورت رفتار اقدام برای رفع مانع و عامل به وجود آورنده ناکامی است. این حالت گاهی رفتار سنجیده و مبتنی بر تفکر، تجارب و یادگیری های قبلی است. در این صورت فرد در جست و جوی یک راه حل مثبت و مؤثر است تا بتواند مشکل پیش آمده را حل کند و مانع را از سر راه بردارد. گاه نیز عکس العمل های عاطفی و هیجانی علیه مانع بروز می کند که روشی موفق برای مقابله با آن نیست. پرخاشگری های مستقیم و غیرمستقیم، کلامی و رفتاری از جمله این قبیل رفتارهاست.

صورت دیگر، کناره گیری و عقب نشینی در مقابل مانع است. در این حالت سعی می کنیم خود را از وضعیتی که برایمان محرومیت یا تهدید به وجود می آورد کنار بکشیم و به اصطلاح با آن قطع ارتباط کنیم. قطع ارتباط کناره گیری نوعی واکنش منفی، تمایل به انکار وضع نامطلوب و آرزو برای از بین رفتن آن است.

رفتار "قهر" در بین افراد بزرگسال هم دیده می شود. قهر زن و شوهر، و یا قهر اعضای یک خانواده یا فامیل، نمونه رفتارهایی هستند که در زندگی روزمره شاهد آن هستیم. گاهی اوقات که افراد احساس می کنند بر طرف مقابل خود



۱ - ناکامی و محرومیت - کودکان "قهر" معمولاً در خانواده‌هایی دیده می‌شوند که والدین و اطرافیان عمداً یا سهواً آنها را در موقعیت‌های فراوان، "ناکام" می‌کنند. گاه اتفاق می‌افتد که کودک در مقابل والدین دچار یک تنگنای عاطفی می‌شود، به این معنی که هر رفتاری که می‌کند، در نظر آنان غلط می‌آید و جای ایراد و سرزنش را برایشان باقی می‌گذارد. در چنین وضعی کودک دچار احساس "بدبختی" می‌گردد و به اصطلاح فکر می‌کند: "چه بکند و چه نکند توی سرش می‌زنند"۵. کودکان در مقابل این وضعیت کمتر قادر به عکس‌العمل رفتاری فعال هستند، چون بلافاصله و از راههای مختلف به توسط والدین متهم می‌شوند. مثلاً کودکی که مادرش به او می‌گوید: "لباسهایت را جمع کن، تو چقدر شلخته‌ای"، ممکن است با اکراه و کسالت بالاخره اقدام به جمع‌آوری پیراهن و جورابها از وسط اتاق کند. او در همین حال احتمالاً انتظار

(مثل همسر، والدین یا فرزند) نفوذی دارند و می‌توانند با استفاده از این نفوذ او را وادار به انجام کاری کنند، ممکن است از قهر به عنوان ایجاد سدی در راه ارتباط عاطفی یا پذیرش طرف دیگر بهره‌گیرند.۴

زمینه‌ها و عوامل قهر کودکان

به طوری که ذکر شد، حالت رفتاری "قهر" به عنوان یک مشکل رفتاری ویژه، کمتر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. لذا زمینه‌ها و عوامل این مشکل را نیز باید در طیف وسیعی از اختلالات مرتبط با آن از قبیل وجود ناکامی‌ها و محرومیت‌های مکرر، الگوهای رفتاری "قهر کردن" در خانواده و اطرافیان، حالت سلطه‌طلبی آموخته شده در مقابل همسالان و بزرگسالان نزدیک جست و جو کنیم و به طور کلی زمینه‌ها و عوامل زیر در پدیدآیی حالت قهر کودکان مؤثر است.

وارد شده. توجه مادر به این حالت برای کودک نوعی موفقیت محسوب می شود و به همین خاطر ممکن است در فرصتهای بعدی با توسل به این قبیل رفتارها که قهر و اخم و جلب ترحم نیز در بین آنهاست، اطرافیان "بدخلق و نامهربان" را مهار کند. حالت کودکانی که در موقع صرف غذا، شروع به بهانه جویی می کنند و در گوشه اتاق به حالت قهر دراز می کشند، یا کودکانی که از پدر و مادر چیزی درخواست می کنند و از آنان پاسخ منفی می شنوند و در نتیجه گوشه اتاق یا پشت در پنهان و از دیده ها "محو" می شوند، نمونه هایی از واکنش قهر در مقابله با موقعیتهای محرومیتزا و ناکام کننده زندگی کودکان است.

۲ - وابستگی عاطفی و عدم اعتماد به نفس -
 "وابستگی" حالتی است که از دوره نوزادی به عنوان یک "کسوی روانی و رفتاری شکل می گیرد. کودک از زمانی که مادر و اشخاص نزدیک را می شناسد و آنها را سرچشمه ارضای نیازها و امنیت روانی خود تشخیص می دهد، حالت وابستگی و اتکاء نسبت به آنان پیدا می کند. در جریان طبیعی رشد، این حالت بایستی به مرور کاهش یابد و استقلال روانی - رفتاری جایگزین آن گردد.^۶ لیکن در صورتی که به واسطه روشهای نامناسب رفتاری و تربیتی والدین حالت وابستگی در کودک باقی بماند، می تواند منجر به اختلال و وقفه در رشد شخصیت وی شود. این قبیل کودکان احتمالاً دچار عدم اعتماد به نفس و احساس بی کفایتی می شوند و یا در مناسبات اجتماعی نمی توانند عکس العمل های مناسب و موفق داشته باشند. کودکان مذکور معمولاً حالت ناپختگی

سیاس و یا حداقل خوشرویی از مادرش را دارد، لیکن واکنش مادر چیزی نیست جز بیان این عبارت که: "هان، حالا دلم می خواد پرتشان کنی توی کمده" و یا: "جان بکن، چقدر لفتش می دهی".

در چنین موقعیتهایی کودک می آموزد که رفتار متقابل والدین در حالت عادی و معمولی چیزی جز سرزنش و دستورهای پی در پی نیست. عقب نشینی و قطع این وضع، فرصت خوبی برای گریز از خشم ها و ترس هایی ها و جلب توجه و ترحم آنان است. لذا به راحتی بیمار می شود یا یک آسیب جسمی جزئی را با شدت به رخ آنها می کشد. این نحوه رفتار کودک معمولاً باعث جلب توجه و صمیمیت والدین می گردد؛ مثلاً گاه مشاهده می کنیم دست کودکی به در می خورد و او با صدای بلند گریه سر می دهد، یا به ظاهر چنان از درد به خودش می پیچد که تصور می کنیم آسیب جدی به او





شایسته والدین "با محبت و نوازشگر" نیست، کودک برای ارضای عطش "توجه طلبی و سلطه عاطفی بر والدین" با کوچکترین نامهربانی آنان به قهر و اخم و ترش رویی متوسل می شود. واکنش قهر و ناز از فرزندان "خردسال و شیرین" گاه برای چنین پدران و مادرانی زیبا و دوست داشتنی هم به نظر می رسد و همین امر الگوی "قهر" را در کودک شکل و رشد می دهد، تقویت می کند و چه بسا آن را به نوعی روش رفتاری در روابط با همسالان نیز تبدیل می نماید.

۴ - تنش در روابط همسالان - در مواقع ناکامی و محرومیت، کودکان خردسال در رابطه با یکدیگر بیشتر از رفتارهای پر خاشگروانه مستقیم استفاده می کنند. در سنین قبل از دبستان، کودک هنوز نمی تواند پیچیدگی روابط ناکام کننده با همسالان را درک و آن را تحلیل کند و از ترفندهای مختلف رفتاری که قهر و

اجتماعی دارند و لذا در عوض ارتباط متقابل مفید و سازنده با همسالان یا افراد بزرگسال، برای رسیدن به خواسته های خود متوسل به رفتارهایی از قبیل مخالفت و عناد، لجبازی و "قهر" می شوند.

۳ - محبت های افراطی والدین - والدینی که فرزندان خود را مورد محبت و نوازش زیاد قرار می دهند، علاوه بر احتمال حفظ الگوهای روانی وابستگی، ممکن است موجب بروز حالت سلطه طلبی در فرزندان خود گردند. کودکانی که از این محبت ها و توجهات مفرط بهره مند می شوند، به تدریج نوعی الگوی "سلطه پذیری" نسبت به خود را در والدین شکل می دهند. این قبیل کودکان الگوی مذکور را پایه و اساس روابط متقابل با همسالان نیز قرار می دهند. اعمال سلطه در این موقعیت ها می تواند با استفاده از الگوهای رفتاری پر خاشگروانه تحقق یابد. لیکن چون این رفتار

اقدامات زیر را انجام دهند:

۱- در سالهای طفولیت، ضمن توجه به نیازها و خواستههای کودک زمینه‌های رشد استقلال کودک را تقویت کنیم. این کار از طریق آزاد گذاشتن کودک برای تجارب رفتاری مورد نظر، اجازه دادن به آنان برای تصمیم‌گیری در حوزه مسائل شخصی و جایگزین کردن شیوه‌های غیرمستقیم و انحراف توجه کودک به جای مخالفت مستقیم با او در مواقع ضروری امکان‌پذیر است.

۲- رفتار نامطلوب کودک را با تحمل و بردباری بپذیریم و به او اطمینان خاطر ببخشیم. کودک ترسو و فاقد اعتماد به نفس غالباً در جستجوی شرایط و اوضاعی است که به او ایمنی خاطر بدهد. والدین می‌توانند منابع مناسبی برای انتقال این احساس به کودک

انسداد عاطفی نمونه‌هایی از آن است برای رسیدن به خواسته‌های خود بهره می‌گیرد. در دوره دبستان اولاً این توانایی تدریجاً در کودک بروز می‌کند و ثانیاً احساس تشخیص طلبی و رقابت در روابط با همسالان، بخش قابل توجهی از فضای ذهنی و روانی او را پر می‌سازد. کودکان دبستانی برای موفقیت در روابط اجتماعی خود مبادرت به استفاده از رفتارهای متنوعی می‌کنند. زور آزمایی روانی، رقابت‌های فردی و گروهی، داد و ستدهای عاطفی و بالاخره قهر کردن با همکلاسیها و دوستان از جمله روشهایی است که ممکن است به طور آگاهانه و حساب شده به توسط آنان صورت گیرد. کودک دبستانی در صورتی که در ارتباط با همسالان خود احساس شکست و ناکامی کند، "قهر" را به عنوان نوعی واکنش عقب‌نشینی انتخاب می‌نماید. احتمال استفاده از این واکنش در مواقعی که زمینه‌های زودرنجی و حساسیت، سلطه‌طلبی و تنش‌های عاطفی در کودک وجود داشته باشد، افزایش خواهد یافت. معلمان و والدین، این کودکان "قهر" را معمولاً ستیزه‌جو، پرخاشگر و سلطه‌طلب هم توصیف می‌کنند. این کودکان در نظر معلمان ممکن است "بی‌نظم و بی‌توجه به تکالیف" جلوه کنند. در خانه نیز تکالیف درسی را کث می‌دهند، ناسازگارهایی به صورت عصبانیت و ایجاد سرو صدا دارند و گاه چهره‌ای لجوج و خودخواه از خویش بروز می‌دهند.^۷

شیوه‌های مقابله با قهر کودکان

برای پیشگیری و مقابله با قهر کودکان، والدین و اولیای تربیتی مدارس می‌توانند



باشند. در مدارس معلمان کلاسها می توانند در صورت بروز خطا و یا قصور از دانش آموزان ضمن رفتار صمیمانه و توأم بامهربانی و رأفت، راه جبران خطاها را به آنها نشان دهند و از این طریق، ضمن تقویت حس اعتماد به نفس، شیوه های درست مواجهه با شکست و ناکامی را به آنان بیاموزند.

۳- پرهیز از ارائه الگوی قهر و ترسرویی در مقابل کودک از جمله نکات مهمی است که به ویژه پدران و مادران بایستی در محیط خانواده به آن توجه داشته باشند. کودکان ممکن است رفتار "قهرکردن" را در نتیجه مشاهده واکنش های حاکی از قهر یکی از والدین نسبت به دیگری و یا قهر آنها به طور جدی یا حتی شوخی در مقابل خود مشاهده کنند و یادگیری "قهر" به صورت مشاهده و تقلید در چنین مواقعی زمینه ساز بروز این ویژگی روانی و رفتاری در کودک است. لذا بایستی از ارائه الگوی مذکور به طور مستقیم و غیرمستقیم به کودکان پرهیزیم.

۴- در مواقعی که کودک قهر می کند، حتی المقدور از عکس العمل هایی که منجر به تقویت رفتار او می شود خودداری کنیم. قهر کودکان ممکن است به صورتهای مختلف تقویت شود. مثلاً مادری که به محض قهرکردن فرزند به دلجویی او می پردازد، معلمی که در مقابل قهر و جلب ترحم شاگرد از خطای او چشم پوشی می کند و یا همکلاسی بی که در مقابل قهر شاگرد دیگر تسلیم خواسته های او می گردد، نمونه های تقویت این حالت در کودکان هستند. والدین می توانند رفتار صمیمی، جدی و معقول خود را با بی توجهی نسبت به قهر کودک تلفیق کنند و از این طریق ضمن



بازکردن راه ارتباط عاطفی مطلوب با وی، واکنش قهر او را خاموش سازند.

پی نوشت ها:

1 - DEPRESSION, INHIBITION

۲- ر-ک: روان شناسی مرضی تحولی (از کودکی تا نوجوانی)، دکتر پریخ دادستان، انتشارات ژرف، ۱۳۷۰، فصل نهم

3 - SULKY

۴- تحلیل رفتار متقابل، اریک برن، ترجمه اسماعیل فصیح، نشر فاخته، ۱۳۷۳، صفحه ۳۳۸

۵- همان منبع، صفحه ۳۳۹

6 - CHILD PSYCHOLOGY :E. MOVIS HETHERINGTON & ROSS D.PARKE - MC GRAW HILL - 1986 - P: 246 - 258

۷- فرایند قهر و کشمکش در دانش آموزان دبستانی و ویژگی های روانی - اجتماعی مرتبط با آن، مهشید شاملو (پایان نامه لیسانس)، دانشکده مدیریت و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۳



معلم در صورتی مشاور خوبی خواهد شد که :
 - با زندگی و فعالیت‌های خارج از مدرسه دانش‌آموزان آشنا باشد.
 - اطلاعات لازم دربارهٔ مقولات زیر را به دست آورد:

- ۱- راهنمایی تربیتی و تحصیلی
- ۲- راهنمایی شغلی
- ۳- راهنمایی اجتماعی و اخلاقی
- ۴- راهنمایی بهداشتی
- ۵- راهنمایی تفریحی و صرف اوقات فراغت
- ۶- راهنمایی شخصیتی، شامل مسائل بهداشتی و روانی
- ۷- مسائل گوناگون مالی و دینی

همکاری معلم و مشاور

بدون تردید، تربیت یا آموزش و پرورش مؤثر و موفق مستلزم همکاری صمیمانه و صادقانه همهٔ دست‌اندرکاران جامعه به ویژه معلمان و مشاوران است.

همکاری معلم با مشاور به صورتهای مختلف انجام می‌گیرد، از جمله :

- الف - معرفی دانش‌آموزانی که به کمکها و راهنمایی‌های خاص نیاز دارند.
- ب - فراهم کردن موقعیت مساعد برای مشاوره و راهنمایی
- پ - قراردادن مدارک مورد لزوم در اختیار مشاور
- ت - پی‌گیری راهنمایی‌ها و توصیه‌های مشاور
- ث - به کار بستن توصیه‌های مشاور در مورد هر دانش‌آموز
- همکاری مشاور با معلم نیز ممکن است به صورتهای گوناگون زیرانجام گیرد:
- الف - مشورت و نظرخواهی از معلم دربارهٔ ابعاد زمانی، تجارب، سوابق و وضع یادگیری دانش‌آموز مورد نظر
- ب - راهنمایی معلم دربارهٔ چگونگی گردآوری سوابق مورد نیاز
- پ - آگاه کردن معلم نسبت به پیشینهٔ کار مشاور در مورد دانش‌آموزان